



مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

روز سیم رجب لله خلو

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ
الْمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

تقویم و روز شمار ماه رجب

- ۱ رجب: ولادت امام باقر (علیه السلام) (سال ۵۷ ه.ق)
۳ رجب: شهادت امام علی النقی (علیه السلام) (سال ۲۵۴ ه.ق)
۱۰ رجب: میلاد امام جواد (علیه السلام) (سال ۱۹۵ ه.ق)، ولادت حضرت علی اصغر (علیه السلام) (سال ۶۰ ه.ق)
۱۳ رجب: ولادت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) (۲۳ سال قبل از هجرت) (سال ۳۰ عام الفیل)، آغاز ایام البيض و ایام اعتکاف
۱۵ رجب: درگذشت حضرت زینب (سلام الله علیها) (سال ۶۲ ه.ق)
۲۵ رجب: شهادت امام کاظم (علیه السلام) (سال ۱۸۳ ه.ق)
۲۷ رجب: بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (۱۳ سال قبل از هجرت)

در این شماره اسوه می خوانیم:

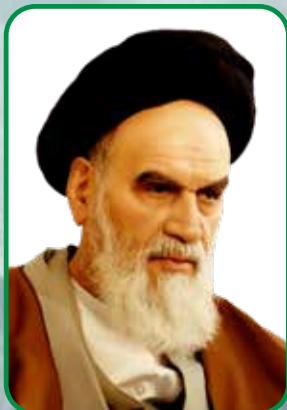
دل ما گرم است به مبعوث و مولود عزیز این ماه	شهید «مجید شهریاری» از قاب اسوه
بعثت؛ نوید افسان سازی است	اهمیت نظافت و بهداشت
منابع فکری ارزشمند از منظر قرآن چیست؟	درسی که باید از سقیفه گرفت
سبک زندگی کوثری (قسمت بیست و نهم: سوره کریمه طارق)	مضامین دعاها معرفت و توحید و درس زندگی است
تربیت در محیط رفاقتی (قسمت دوم)	سربازان تان در میان همین یاهوسرایی ها چه بیشتر می دوند

دل ما گرم است به مبعوث و مولود عزیز این ماه

فخری مرجانی

شروع روزهای مبارک ماه رجب است؛ روزها و شب‌هایی که باید مغتنم دانست لحظه لحظه‌اش را. هر دعا و مناجاتی که در این ماه می‌خوانیم، نکته‌ها و درس‌هایی دارد که تفکر و توجه به آن‌ها، ما را در حرکت به سوی او مشتاق‌تر می‌کند. ماییم و دستان خالی؛ اما دلی پرشور برای رسیدن به او؛ پس ناامیدی در این مسیر معنا ندارد. دل ما به دعای مبعوث عزیز این ماه، رسول جان‌آفرین خوش است؛ دل ما به مولودان مبارک این ماه عزیز، امیرالمؤمنین، امام محمدباقر و امام جواد (علیهم‌السلام) خوش است که ما را به این دعا رهنمون شدند که: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَأَمَنْ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ، يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً، أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَّا أُعْطِيتَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ».

و این واقعیت است که همه شرق و غرب، از ژاپن و چین و کره جنوبی تا آمریکا و انگلیس و اتحادیه اروپا و... پشت به پشت هم علیه ایران تقسیم کار می‌کنند. اما حقیقت این است که ملتی که دلش به معبودش گرم شد، ملتی که دل در گرو خانواده آسمانی‌اش نهاد، از همه گزندها در امان است. هرچند ممکن است آسوده‌خاطر و راحت و بی‌دردسر نباشد؛ اما پناهی محکم دارد.



بعثت!

نوید انسان سازی است



پیغمبر غصه می خورد برای اینکه دعوت می کند و اجابت کم می شود؛
«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ»

و یکی از غصه های انبیا هم همین است که تعلیمات شان را نتوانستند به ثمر برسانند؛ آن طوری که تعلیم اقتضا می کند.

پیغمبر می خواست همه مردم را علی بن ابیطالب کند، ولی نمی شد. و اگر بعثت پیغمبر هیچ ثمره ای نداشت؛ الا وجود علی بن ابیطالب و وجود امام زمان (سلام الله علیه) این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی، پیغمبر را بعث می کرد برای ساختن یک همچون انسان های کامل، سزاوار بود؛ لکن آن ها می خواستند که همه آنطور بشوند، اما آن توفیق حاصل نشد.

اسلام، قوانینی است که می خواهد انسان درست کند. قرآن هم کتاب انسان سازی است، می خواهد انسان درست کند. پیغمبر هم از اولی که مبعوث شد تا آخر، وقتی که از دنیا تشریف بردند در صدد این بود که آدم درست کند.

(صحیفه امام، ج ۱۲، صص ۴۲۴ و ۴۲۵)

منابع فکری ارزشمند از منظر قرآن چیست؟

در دین اسلام؛ با صرف انرژی فکری در اموراتی که باعث خسته شدن فکر شود و برای انسان فایده و ثمری نداشته باشد، مخالفت شده است. پیامبر اکرم، علمی که دارا بودن آن سودی نبخشد و نداشتن آن زیانی نرساند را بیهوده می خواند.

قرآن کریم سه موضوع برای تفکر مفید و سودمند ارائه می دهد:

۱- طبیعت: در قرآن آیات زیادی است که تأکید می کند در طبیعت؛ یعنی خشکی و دریا و آب و باد و باران و آسمان و ستارگان و خورشید و هر چه در اطراف ما وجود دارد، بیندیشیم و تفکر و نتیجه گیری کنیم.

۲- تاریخ: در قرآن آیات زیادی است که انسان را به مطالعه تاریخ گذشتگان، برای کسب علم و درس و عبرت گرفتن از آن توجه می دهد.

عزت ها و ذلت ها، موفقیت ها و شکست ها، خوشبختی ها و بدبختی های تاریخی حسابی دقیق و منظم دارد که با شناختن قانون آن می توان تاریخ حاضر را تحت فرمان درآورد و از آن بهره گرفت.

۳- ضمیر انسان: قرآن از ضمیر انسان به عنوان یک منبع معرفتی ویژه نام می برد؛ زیرا همه خلقت الهی، علائم و نشانه هایی برای کشف حقیقت است. قرآن از جهان خارج به نام «آفاق» و از جهان درون انسان به «انفس» یاد می کند و اهمیت ویژه ضمیر انسانی را گوشزد می کند. که انسان باید برای شناخت آن، تمام همّت خود را به کار گیرد تا بتواند از همه وجودش بهره ها ببرد.

کتاب انسان و ایمان، شهید مرتضی مطهری، چکیده صص ۷۱ تا ۷۳

سبک زندگی کوثری

(از ناس تانباً)

دکتر زهرا خلخالی

zahrakhalkhali45@yahoo.com



قسمت بیست و نهم

شماره سوره: هشتاد و ششمین سوره (۲۹ از آخر) مکی، ۱۷ آیه

شرح لغات: طارق: کوبنده، شبگرد، ستاره خاص، الثاقب: شکافنده؛ الصلب: سنگ و استخوانهای پشت؛ دافق: جهنده؛ ثبلی: شخص را مورد آزمایش قرار داد؛ سرائر: (جمع سریره) نهان؛ الرجیع: برگشتن؛ الصدع: شکافت، پراکند؛ هزل: یاوه‌گویی، لاغری؛ کید: فریب.

سوره زوج: بروج

گروه: سور سماوات (طارق، بروج، انشقاق، انفطار، گروه سور (واو))

محور موضوعی: علامه طباطبائی: در این سوره مردم را به معاد انداز کرده، و استدلال کرده به اطلاق قدرت، و سخن را با تأکید ایفاء نموده، و ضمناً به حقیقت آن روز اشاره می‌کند و سوره را با تهدید کفار ختم می‌نماید.^۱

تفسیر روایی: امام صادق (علیه‌السلام): إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا بِه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌السلام) و فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) نیرنگ زدند. خداوند می‌فرماید: ای محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)! إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا. وَ أَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُوِيْدًا! من نیز با آن‌ها مقابله به مثل می‌کنم. ایشان را مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم، خداوند به‌وسیله او از ستمگران و جباران قریش و بنی‌امیه و سایر مردم انتقام می‌گیرد.^۲

فضیلت قرائت:

امام صادق (علیه‌السلام): هر کس در نمازهای واجب خویش، سوره وَ السَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ بخواند، روز قیامت، نزد خداوند، دارای جاه و منزلت خواهد بود و از همراهان و دوستان مؤمنین در بهشت خواهد بود.^۳ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): هر کس آن را بخواند خداوند به تعداد ستارگان آسمان ده‌ها حسنات به او می‌دهد.^۴

رَبِّ اَعْلَى، رسول مهر و رحمت را با «سَنْفُرُوكَ فَلَا تَنْسَى» مژده فرمود تا با تسبیح اسمش، «فَذَكِّرْ اِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى» را همچنان تداوم بخشد، گرچه برای انسانی که از «مَاءِ دَافِقٍ» آفریده شده «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» نیز می‌باشد، در «اِنْ كُلِّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» **نجم ثاقب** بازگشت او را به سوی الله در «اِنَّهُ عَلٰی رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» ترسیم می‌نماید تا «سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى» را در مسیر «اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ» به «اِنَّهُ عَلٰی رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» سوق دهد که «وَمَا هُوَ بِالْهَزِلِّ» است و تحقق خواهد یافت.

این سوره آغازگر **سور سماوات**^۱ است که با اضافه‌شدن مطففین، پی‌درپی می‌آیند و همه این علوم و اندیشه‌های آسمانی و زمینی در «اِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُولٰی» نیز بوده تا از منظر «فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ»، «سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى» سر برآورد که اگر **اشقی** «اِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا» نمودند، انتظار «يُضَلِّي النَّارَ الْكُبْرٰی» را داشته باشند که «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ اَمْلُهُمْ رُوِيْدًا» است. از منظری دیگر سوره طارق، سوره بصیرت در برابر کفار است که در برابر کیدشان باید کید نمود تا مسیر والای زندگی تحقق یابد، نه اینکه به امید قیامت، انتظار مجازات جفای ایشان را به آن‌زمان موکول کرد و به همین دلیل در عاقبت کافران «لَا يَمُوتُ فِيْهَا وَلَا يَحْيٰی» که شدیدترین تعبیر است را به کار می‌برد، و «وَأَكِيدُ كَيْدًا» تأکید می‌فرماید، ولی با این همه «وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰی» سرود بی‌مانند است که در ترسیم «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» هدایت‌شدگان را به تماشای «وَالْعَاقِبَةُ خَيْرٌ وَ اَبْقٰی» می‌نشانند تا بیانگر جاوید «اِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ» باشد. شایان ذکر است از این سوره بحث **قول فصل** که همان **قرآن کریم** است، محور سوره‌های بعدی خواهد بود.

جالب آنکه در تناسب سوره‌ها، در سوره اعلی، اشقیا «وَيَجَنَّبُهَا الْاَشْقٰی» و جایگاه اخروی آنها «الَّذِي يَضَلِّي النَّارَ الْكُبْرٰی»، بیان شده است؛ اما در سوره طارق **وصف دنیوی** ایشان ذکر شده: «اِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا...» در سوره طارق دستور به **نظر و تأمل شده** و در سوره اعلی، نتیجه آن «سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى» یعنی **تذکر** بیان شده است.

زحیلی: ارتباط سوره اعلی با سوره طارق در این است که در سوره طارق می‌فرماید: «خَلَقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ» و **آغاز به آفرینش** نبات در فرموده: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْاَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ» می‌کند، و این سوره درباره آنچه **اعم و شامل‌تر از آفرینش انسان و غیر آن** است: «خَلَقَ فَسَوّٰی» و از آفرینش نبات در «وَالَّذِي اَخْرَجَ الْمَرْعٰی فَجَعَلَهُ نَعْمًا أَحْوٰی» سخن می‌گوید.^۲

۱ - سیوطی، عبدالرحمن، تناسق الدرر فی تناسب السور، ص ۱۳۸

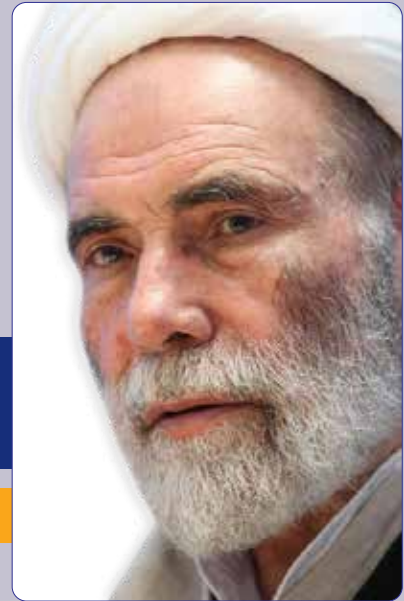
۲ - زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، ج ۳۰، ص ۱۸۶.

۳ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۵۸.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۰.

۵ - وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۴۹.

۶ - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۵۷.



تربیت در محیط رفاقتی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت دوم

اثر رفاقت بر انسانیت انسان

اثر رفاقت چیست؟ همین که رفیق شدیم، بر اثر رابطه محبتی، پیوند محبتی بین ما دو نفر برقرار شد، این رابطه چه اثری دارد؟ روایتی از علی (علیه السلام) می خوانیم و بعد آن را توضیح می دهیم. اتفاقاً روایت، در ارتباط با همین آیه شریفه ای است که دارد: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ». حضرت فرمود: «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشَرَةِ السُّفَهَاءِ وَ صَالِحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ وَ الْخُلُقُ أَشْكَالٌ فَكُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ وَ النَّاسُ إِخْوَانٌ فَمَنْ كَانَتْ أُخُوَّتُهُ فِي غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَحُورُ عَدَاوَةٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ».

«خلق» به معنای «خو» است. «خو» به معنای ملکه است. علی (علیه السلام) در اینجا مسئله را بر محور معاشرت؛ یعنی همان رابطه تنگاتنگ بین دو نفر مطرح می کنند و این اثرگذار و ملکه ساز است. گاهی همراه خود ملکه فاسده و گاهی ملکه شایسته می آورد. «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ»، «صَالِحُ الْأَخْلَاقِ»؛ اول درستی و نادرستی اخلاق را می فرماید، بعد می آید روی این معنا که «وَ الْخُلُقُ أَشْكَالٌ»؛ یعنی خلق، برای تو شاکله وجودی درست می کند و باطن را می سازد. همین ملکات است که باطن ما را می سازد. این است که انسان را می سازد. ملکات سیئه (نعوذ بالله) انسان را به صورت حیوان می سازد؛ ملکات حسنه به صورت فرشته می سازد. درون من را که روز قیامت با آن محشور می شوم. «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ»؛ یعنی آن شاکله و شکل درونی تو در آن روز هست.

نقش «رفاقت» بر «تربیت»

بحث مفصلی راجع به نقش بسیار اساسی محیط رفاقتی مطرح است که من فقط به آن اشاره می کنم. قرآن همین محیط رفاقتی را در آیات متعدد، مطرح می کند. روایات زیادی هم راجع به نقش این محیط داریم. من یکی، دو آیه را به عنوان نمونه می خوانم. در سوره فرقان آمده است: «وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»؛ روز قیامت، روزی است که ستمکار دست هایش را می گزد. «يَعِضُ»؛ یعنی می گزد. می گوید: ای کاش ما، رابطه و پیوندی با پیغمبر برقرار می کردیم. منظور پیوند محبتی و رفاقتی است. بعد می گوید: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»؛ برعکس! کاش من فلانی را رفیق نمی گرفتم. او من را گمراه کرد.

هر دو نوع را دارد. هر دو مورد، پیوند رفاقتی است. ای کاش من با این آقا پیوند رفاقت برقرار می کردم و ای کاش با فلانی رفیق نمی شدم.

در آیه ای دیگر در سوره زخرف آمده که: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛ بعضی رفیق ها در آن روز با یکدیگر دشمن می شوند، مگر متقین.

این یک مسئله دیگر است که عرض می کنم. ما راجع به دوستی در قیامت، آیات زیادی داریم و مثل این آیه که: «مَنْ قَبْلُ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ». یا در آیه دیگر دارد: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ». تحت عنوان خلیل یا صدیق دارد. همه این ها در آیات آمده است. می خواهم بگویم مسئله رفاقت در آیات فراوانی در قرآن مطرح است.

طریق عاشق



شهید «مجید شهریاری» از قاب اسوه

آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو

در ابتدا توجه شما رو به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌نمایم. سیر یعنی رفتن؛ اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگو برداری‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینک:

چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟

آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟

می‌فرماید: لکم فی رسول الله اسوه حسنه...

بحث الگو و اسوه داشتن فقط برای مواردی که برشمردیم نیست.

یک کلام: برای عمل کردن مطابق آن سبکی که از آن الگو گرفته ایم.

شهید مجید شهریاری در سال ۱۳۴۵ در زنجان متولد شد. وی متأهل و دارای دو فرزند به نام‌های محسن و زهرا است.

وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زنجان، دوره کارشناسی را در رشته مهندسی الکترونیک در دانشگاه صنعتی امیر کبیر، دوره کارشناسی ارشد را در رشته مهندسی هسته‌ای در دانشگاه صنعتی شریف و دوره دکترا را در رشته مهندسی هسته‌ای در دانشگاه امیر کبیر گذراند. بعد از تحصیلات در دانشگاه مشغول به کار شد و در پی نبوغ و تلاش علمی‌اش ارتقاء سطح شغلی را گام به گام پیمود.

شهید شهریاری سال ۱۳۸۸ و بر اساس تصویب هیئت ممیزه به درجه استادی ارتقاء پیدا کرد. در واقع بعد از چهار سال دوره دانشجویی و حدود هشت سال از زمان شروع به کار که حداقل زمان لازم برای ارتقاء به درجه استادی است، به این مرتبه ارتقاء یافت.

همسر ایشان از او چنین روایت می‌کند:

«شهید شهریاری دانشجوی نمونه و به قولی تاپ دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه صنعتی شریف بود. او را در ابتدا در ترم اول تحصیل خود دیدم. همیشه در سایت دانشگاه حضور داشت و به قولی مرجع دانشگاه و دانشجویان بود. همسرم فردی آرام و ساکت بود و دائماً با دانشجویان در مباحث علمی به بحث می‌پرداخت و اساتید دانشگاه صنعتی شریف بسیار وی را دوست داشتند. در ترم دوم تحصیلی خود کرسی درسی برپا داشت و در این کلاس بیشتر با شهید شهریاری آشنا شدم.

مراسم ازدواج من و شهید شهریاری در سلف‌سرویس اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر برگزار شد و به یاد دارم که پس از آن با لباس عروس به خوابگاه رفتیم و زندگی بی‌تکلف خود را آغاز کردیم.

شهید شهریاری از نظر رفتاری بسیار نمونه و فردی بسیار متشعر بود. در کلاس درس سن و سال من از بقیه دانشجویان بیشتر بود و در آن حین کارمند دانشگاه صنعتی امیر کبیر هم بودم و دانشجویان جوان‌تر از متشعر بودن شهید شهریاری بسیار تعریف و تمجید می‌کردند و این امر باعث می‌شد تا وی را بیشتر بشناسم.

پس از ازدواج با شهید شهریاری عمق رفتار نمونه و متشعر بودنش را در زندگی شخصی خودمان دیدم و نماز شب خواندن همسرم را مشاهده کردم. در شب اول ازدواج‌مان سجاده نماز شب شهید شهریاری پهن بود. شهید شهریاری بسیار مبادی اخلاق بود و ادب، نگاه، صحبت، رفتار و تقدم سلام وی همیشه زبان‌زد بود.

در برخی عروسی‌ها حضور پیدا نمی‌کرد و با کسی هم تعارف نداشت. می‌گفت وقتی قرار است حلالی حرام شود در آن محل حضور پیدا نمی‌کنم.

آیت الله جوادی آملی در مراسم چهل‌م همسرم در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «همسر و خانواده شهید شهریاری مطمئن باشند که وی در روح و ریحان است. اگر با دو دست پر به بارگاه الهی راه یافت، نه تنها مشکل خودش را حل می‌کند؛ بلکه مشکل دیگران را هم برطرف می‌کند و از دیگران شفاعت خواهد کرد.»

همچنین ارادت خاصی به حافظ داشت. برخی اوقات روبه‌روی من می‌نشست و شعرهای حافظ را می‌خواند و نمی‌دانم در این اشعار چه می‌دید که اشک می‌ریخت.

مجید واقعاً آماده شهادت بود، چون وقتی زندگی این مرد را مرور می‌کنم می‌بینم رویه مجید در زندگی هیچ سرانجامی جز شهادت نداشت.

شهید مجید شهریاری دانشمند فرزانه و استاد فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی ایران، سرانجام در تهران در ۸ آذر ۱۳۸۹ توسط رژیم صهیونیستی و با همکاری اطلاعاتی منافقین در یک عملیات تروریستی به درجه رفیع شهادت نائل شد. راهشان پر رهرو...

اللهم ألحقنا بهم...

اهمیت نظافت و بهداشت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در احادیثی می فرماید: اسلام پاکیزه است؛ پس خود را پاکیزه کنید؛ چرا که جز پاکیزه به بهشت وارد نشود. نظافت از ایمان است و ایمان با صاحبش در بهشت اند. پشت در خانه خاکروب به جمع نکنید که آن، جای شیاطین (آلودگی) است. بدترین بندگان چرکین هاینند. خدا چرکین بودن و ژولیدگی را دشمن می دارد.

امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز می فرماید: خانه های تان را از تارهای عنکبوت پاکیزه نگه دارید؛ چرا که مایه فقر است.

منبع: مفاتیح الحیات، ص ۱۱۴

که باید از سقیفه گرفت

حضرت زهرا (سلام الله علیها)، خطبه‌ای خطاب به زنان مهاجر و انصار که برای عیادت ایشان آمده بودند، دارند که آن را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد؛ در بخش اول مهاجرین و انصار را سرزنش کردند که چرا علی (علیه السلام) را رها کردید. سپس خود حضرت در توضیح این عمل می‌فرمایند: علی را رها کردید چون از قاطعیت او می‌ترسیدید. می‌خواستید کسی سر کار باشد که بتوانید با او کنار بیایید و منافع را بین خودتان تقسیم کنید. دنبال کسی بودید که انعطاف داشته باشد و سخت‌گیر نباشد. در یک کلمه، مشکل علی سخت‌گیری‌اش بود.

این مهم‌ترین درسی است که ما برای زندگی اجتماعی‌مان باید از این جریان تاریخی و از این فرمایشات حضرت زهرا (سلام الله علیها) بگیریم. اولاً ما که در میان یک میلیارد و نیم مسلمان دنیا افتخار پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) را داریم باید سعی کنیم شباهتی به آن‌ها داشته باشیم. باید بدانیم که روش علی (علیه السلام) این‌گونه نبود که با هر کس که بهتر به نفع ایشان کار کند رفیق شوند و با او کنار آیند. انسان علوی هم باید این‌گونه باشد. اگر این اصل را دنبال کنید خواهید دید که همیشه در مقدمه همه انحرافات که مسلمانان در مسائل سیاسی، اجتماعی به آن‌ها دچار شده‌اند چنین ماجرای وجود داشته که کسانی به حق خودشان راضی نبوده و قصد داشته‌اند از چارچوبی که اسلام تعیین کرده اندکی زاویه بگیرند. همین مسئله منشأ فساد، انحراف، خونریزی، دشمنی، برادرکشی و فسادهای دیگر شده است. در مقابل هر جا کسانی سعی کرده‌اند در همان چارچوبی که اسلام ترسیم کرده حرکت کنند و به دنبال هواهای نفسانی نباشند، هم خیر دنیا نصیب‌شان شده و افتخار و شرف در این دنیا پیدا کرده‌اند و هم به خیر آخرت نائل شده‌اند.

بنده فکر می‌کنم بسیاری از کسانی که به کربلا آمدند و سیدالشهدا (علیه السلام) را به شهادت رساندند درست نمی‌فهمیدند که مرتکب چه عملی می‌شوند. برخی از آن‌ها سران سپاه علی (علیه السلام) در جنگ صفین بودند. کسانی بودند که سال‌ها پای منبر علی (علیه السلام) نشسته بودند. عمر سعد تا چند روز قبل از جریان عاشورا مردد بود که چه کند. وقتی به عمر سعد امارت ری را پیشنهاد دادند شب تا صبح قدم زد و فکر کرد که این پست را قبول کند یا عذاب خدا را؛ یعنی می‌دانست جریان از چه قرار است. اما بسیاری نمی‌دانستند چه می‌کنند. آن‌هایی

هم
که

در سقیفه

جمع شدند دقیقاً

نمی‌فهمیدند که چه

غلطی می‌کنند و با این کار

چه عواقب سوئی خواهند داشت و چه

مسئولیت‌هایی به گردن‌شان خواهد آمد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌فرماید: اکنون شما

نمی‌فهمید چه کار می‌کنید؛ اما این شتر آبستن است و به

زودی می‌فهمید چه اشتباهی کردید.

درسی که ما باید از این ماجرا بگیریم این است که هرگاه

پای مسائل اجتماعی و مصالح یک امت در میان است آن را

ساده نگیریم و اطراف آن را درست بسنجیم؛ وگرنه هیچ شباهتی

با علی و آل علی (علیهم السلام) نخواهیم داشت. دست کم در

مسائل سیاسی، اجتماعی، به عاقبت کار فکر کنیم و تنها به آثار

زودگذر و پیش پا افتاده نگاه نکنیم. سعی کنیم روز بعد، سال

بعد و اگر همت داشته باشیم قرن بعد را ببینیم. باید این روحیه

را در خودمان تقویت کنیم و در این مسائل مسامحه و سهل‌انگاری

را کنار بگذاریم. باید درباره کاری که می‌خواهیم انجام دهیم

ابتدا مطمئن شویم که انجام دادن چنین کاری وظیفه شرعی است

و پیش خدا برای انجام دادن آن حجت داریم. سپس آن را با کمال

قاطعیت انجام دهیم و پای آن بایستیم. هر لحظه باید ببینیم خدا از

ما چه می‌خواهد. سپس در مقام عمل ملاحظه‌کاری، سهل‌انگاری

و حرف این و آن را کنار بگذاریم؛ چراکه این امور با مکتب علی

(علیه السلام) نمی‌سازد. اگر ما می‌خواهیم پیرو واقعی علی

(علیه السلام) باشیم دست کم در مسائل اجتماعی باید دوراندیش

باشیم و عواقب کار را بسنجیم و تابع هوا و هوس‌های مان نباشیم.

علامه مصباح یزدی، چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۰





مضامین دعاها معرفت و توحید و درس زندگی است

ماه رجب است. ماه رجب، ماه توسل، ماه توجّه و دعا است. در این ماه شریف، مؤمنین که دعا می خوانند، از خدای متعال این جور می خواهند: «اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ».

چقدر حائز اهمیت است هر سه فقره! فقره آخر هم که مغفرت است که اساس همه کارها است: «وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ». هدایت هدایت یافتگان و تلاش تلاشگران آن چیزی است که در این دعا از خدای متعال می خواهید. شما تأمل بفرمایید اگر همین دو عامل در من و شما باشد، همه مشکلات حل خواهد شد؛ هم هدایت هدایت یافتگان الهی نصیب ما بشود، هم تلاش تلاشگران تاریخ بشریت در رفتار ما، در گفتار ما، در منش ما محسوس باشد. در آن فقره سوّم، آسیب مورد اشاره قرار گرفته است: «وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ». غفلت بزرگ ترین آسیب است؛ غفلت از مسیر، غفلت از هدف، غفلت از توان، غفلت از فرصت، غفلت از دشمن، غفلت از وظیفه ای که امروز بر دوش من و شما است؛ غفلت. بزرگ ترین دشمن ما غفلت است. اولین دشمنی که ما را در مقابل دشمنان دیگرمان به خاک می نشاند، غفلت است؛ «وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ». نتیجه این غفلت دور شدن است؛ دور شدن از خدا، دور شدن از هدف، دور شدن از کامیابی.

مضامین دعاها معرفت است، توحید است، درس زندگی است؛ ببینید دعاها این ها است. با این توجّه دعاها را بخوانیم و از فضای این ماه بهره ببریم.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

سربازان تان در میان همین یاهو سیرایی‌ها چه بیشتر می‌دوند

محیا خوبرو

امروز به شما فکر می‌کردم.
به زمانی که ناگهان و در میان هجمه‌ای از
شبهات و تردیدهای خانمان‌سوز می‌رسید.
شبهات؛ همان‌ها که دشمن شما می‌سازد
تا دست از رؤیای صادقۀ ظهور، بکشیم.
تا بباوراند به ما که ظهور افسانه‌ای‌ست!
که رخ نمی‌دهد!
که نیستید و نمی‌آید!
می‌بینم که سربازان تان در میان همین
ياهو سیرایی‌ها چه بیشتر می‌دوند...

می‌دوند...

می‌دوند...

می‌دوند...

طعن می‌شنوند...

لطمه می‌بینند...

رنج می‌کشند، اما ناامید بشوند؟ هیئات!

شما در میان روح یک‌یک آن‌ها نور

دمیده‌اید.

ایمان‌مان با تمام این هجمه‌ها و بحران‌ها

بیشتر می‌گردد.

یابن الزهرا،

علیک منی السلام، ارواحنا لک الفداه...





قابل توجه نیکوکاران و خیرین محترم

● طبق جدول برنامه پخت غذا ویژه خانواده‌های
بی سرپرست، یتام، کارگران بچه‌های کار و افراد
نیازمند

● یازدهمین مرحله پخت غذا

(به تعداد ۵۰۰ پرس)

زمان: جمعه ۱۴ بهمن مصادف با ۱۲ رجب شب

میلاد باسعادت مولی الموحدين حضرت

علی ابن ابی طالب (علیه السلام) انجام می‌گردد

مکان: آشپزخانه اجتماعی زودپز

محل پخش منطقه حسن آباد فشافویه و حومه

همراه با ارائه خدمات طب سنتی - ایرانی به صورت رایگان

شما هم میتوانید در این امر خداپسندانه شریک باشید

۶۵۹۶-۸۴۰۵-۱۲۱۱-۶۲۷۴ خانم زهرا بادی

لطفا پس از واریز فیش را به شماره

۰۹۱۲۶۸۹۵۵۲۱ ارسال نماید



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سر دبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۱